



دستمزدهای کارگری،

مرز خط مرگ و نابودی!

موضوع افزایش میزان حداقل دستمزدهای کارگری، امسال نیز بدون کمترین توجهی به خواست کارگران در این زمینه و بدون در نظر گرفتن نرخ تورم واقعی، با اندک افزایشی به روال سال های گذشته به پایان رسید. وزارت کار این بار نیز تشکیل جلسات "شورای عالی کار" به منظور تعیین حداقل دستمزد را عمداً به تعویق انداخت. جهرمی وزیر کار احمدی نژاد، اگرچه بخشی از شوراهای اسلامی و خانه کارگری ها را از جریان تصمیم گیری در این مورد حذف و آشکارا به آنها بی اعتنائی نمود، اما سرورته قضیه را به کمک بخش دیگری از آنها هم آورد و در هر حال نتیجه یکسان بود؛ تعیین حداقل دستمزد در زیر خط فقر!

سران شوراهای اسلامی و خانه کارگر به قصد عوام فریبی بازمه پز طرفداری از حقوق کارگران را به خود گرفتند و با طرح این مسئله که در سال گذشته افزایش دستمزدها بر پایه واقعیت ها نبوده و به کارگران "اجحاف" شده است، همچنین با اشاره به "اقدامات یک سویه" وزیر کار و عنوان کردن این موضوع که وزیر کار شخصاً نماینده از طرف کارگران انتخاب و منصوب می کند، به جنگ زرگری باوزارت کار پرداختند. در حالی که این جا و آن جا صحبت از این می شد که خط فقر ۲۵۰ هزار تومان و ۳۰۰ هزار تومان است، پرویز احمدی پنجگی یکی از اوباشان و یورش برندگان به سندیکای کارگران شرکت واحد که امروز به جای حسن صادقی در مقام رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار سرگرم خدمت به جمهوری اسلامی است، چنین گفت که در جلسات شورای عالی کار، تلاش خواهد کرد دستمزد حداقل به نحوی افزایش پیدا

در صفحه ۲

کنفرانس دهم سازمان برگزار شد

- قطعنامه در مورد چشم انداز اوضاع سیاسی در ایران و تاکتیک های ما،
- قطعنامه در مورد جنبش کارگری،
- قطعنامه در مورد برنامه عملی و مشخص ما برای الغای ستم، تبعیض و نابرابری ملی،
- قطعنامه در مورد سیاست عملی ما نسبت به جنبش زنان،
در همین رابطه و به منظور پیشبرد مباحث فوق، ۵ شماره بولتن داخلی ویژه مباحثات کنفرانس نیز انتشار یافت. در این بولتن ها رفقای سازمان فرصت یافتند که دیدگاهها و نظرات خود پیرامون قطعنامه های پیشنهادی کمیته اجرایی را بیان کرده و قطعنامه های پیشنهادی خود را مطرح نمایند. سرانجام پس

اوایل اسفند ماه امسال دهمین کنفرانس سازمان ما برگزار شد. کمیته اجرایی اسنادی را برای این کنفرانس آماده کرده بود، که مطابق با اساسنامه سازمان، سه ماه پیش از برگزاری آن در اختیار تمامی رفقای عضو و کاندید عضو قرارگرفت تا شرکت کنندگان در این کنفرانس امکان بحث و بررسی بر روی این اسناد را داشته و با آمادگی بیشتری در این نشست حضور یابند.
این اسناد شامل گزارش عملکرد تشکیلاتی و قطعنامه های تاکتیکی پیشنهادی کمیته اجرایی بود. این قطعنامه ها عبارت بودند از:
- قطعنامه در مورد اوضاع جهان سرمایه داری،

در صفحه ۵

قطعنامه های کنفرانس دهم سازمان

صفحات: ۶، ۷، ۸ و ۱۰

پیام شرکت کنندگان در کنفرانس دهم

سازمان فدائیان (اقلیت) به:

۱۲

کارگران ایران

زنان کارگر و زحمتکش و ستمدیده

۹

به مناسبت ۸ مارس

زندانیان سیاسی و خانواده های جانبختگان فدائی

۳

و همه جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم

۴

رفقای هوادار و فعالین سازمان

مراسم بزرگداشت

سی و پنجمین سالگرد

سیاهکل

۹

دستمزدهای کارگری، مرز خط مرگ و نابودی!

گرانی و افزایش سرسام آور قیمت کالاها و خدمات نیز این دروغ را افشاء می کند. کارگران نیز هر ساله و در آستانه تصمیم گیری در مورد افزایش دستمزدها، مکرر با این ترفند ریاکارانه روبرو شده و آن را می شناسند. نرخ واقعی تورم حتماً از دو برابر رقمی که توسط بانک مرکزی اعلام شده است هم بیشتر است. یک عضو کانون عالی کارفرمایی کشور، از رقم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی به استهزا یاد می کند و از رشد ۴۰ درصدی گرانی صحبت می کند.

بنابراین اگر خط فقر را همان ۳۰۰ هزار تومانی که توسط کمیسیون اقتصادی مجلس ارتجاع تعیین شده است فرض کنیم، این موضوع کاملاً روشن است که اگر قرار باشد کارگران حتماً در همان مرز خط فقر زندگی کنند، باید یک دستمزد ۳۰۰ هزار تومانی با ضافه ۴۰ درصد آن به عنوان تورم، یعنی ماهیانه حداقل ۴۲۰ هزار تومان دریافت کنند که تازه در حد همان خط فقر بتوانند زندگی کنند.

بنابراین اگر با استناد به همین واقعیات هم کسی بخواهد دستمزدماهانه کارگری را تعیین کند، به رقمی در حدود ۴۵۵ هزار تومان می رسد. روشن است که کارگران بامبلغ ۱۵۰ هزار تومان که از یک سوم این رقم هم کمتر است، به هیچوجه نمی توانند حتماً نیازهای اولیه خود را برآورده سازند.

دولت "عدالت" پرور احمدی نژاد به سیاق پیشینیان "عدالت" پیشه ی خود، باردیگر و به صراحت به کارگران گفت تاجمهوری اسلامی هست، عدالت به سبک آن هم هست. در یک سو عده قلیلی سرمایه دار و مرتجعین ثروتمند، انگل هائی که از همه گونه امکانات رفاهی و نعمات زندگی برخوردارند، در سمت دیگر انبوه عظیمی کارگر و زحمتکش که در فقر و محرومیت و گرسنگی به سر می برند و حتماً از تامین نیازهای اولیه زندگی نیز محروم اند. تعیین حداقل دستمزد در زیر خط فقر و محکوم ساختن رسمی کارگران به زندگی در زیر خط فقر و مرز خط مرگ و نابودی، از اجزای لایتنجای "عدالت اسلامی" است. رژیم جمهوری اسلامی که پاسدار منافع سرمایه داران و مرتجعین است، جانبدار و حافظ این گونه از "عدالت" است. این عدالت وارونه باید محو و نابود شود. قبل از آن اما نظام جمهوری اسلامی را باید برافکند و ریشه کن ساخت.

به زندگی در مرز خط مرگ نساخته اید؟ برای اثبات ناچیز بودن و مطلقاً ناکافی بودن میزان حداقل دستمزدهای کارگری، نیازی به آمار و ارقام و ارائه تفسیرهای بلند بالا نیست. کفایت از میان دهها دلیل و برهان در این زمینه به چند نقل قول کوتاه اشاره شود.

یک استاد مدیریت دانشگاه و عضو خانه مدیران سازمان گسترش و نوسازی صنایع از این زاویه که افزایش سطح دستمزدها موجب "ارتقای امنیت اجتماعی کشور" است، و با ذکر این که کارگری که ۱۵۰ هزار تومان می گیرد نمی تواند "کارگر موثری" باشد، می گوید: "یک خانواده دو نفری بدون در نظر گرفتن کرایه خانه، باید ماهیانه ۲۴۰ هزار تومان درآمد داشته باشد." (تاکید از ماست)

یک عضو کانون شوراها اسلامی کار می گوید "مبلغ ۱۵۰ هزار تومان تنها می تواند جوابگوی اجاره ی مسکن آن هم در مناطق پائین شهر باشد. دبیر کل "حزب رفاه اسلامی کارگران" می گوید، حداقل دستمزد با هزینه های زندگی فاصله ۲۰۰ درصدی دارد!

صرف نظر از دیدگاه استاد مدیریت دانشگاه در مورد "امنیت اجتماعی" و "کارگر موثر" و غیره، آیا همین چند نقل قول کوتاه آن هم از زبان افرادی وابسته به دستگاه حاکمه ثابت نمی کند که هیچ گونه، مطلقاً هیچ گونه تعادلی میان میزان حداقل دستمزدهای کارگری و سطح مخارج و هزینه ها وجود ندارد؟! باید توجه داشت که اکثر خانوارهای کارگری بیش از دوفنر و عموماً اجاره نشین اند. اگر مخارج یک خانوار ۵ نفره را ۳۰۰ هزار تومان در نظر بگیریم (در مقایسه با رقم ۲۴۰ هزار تومان برای یک خانوار دوفنر بدون در نظر گرفتن اجاره مسکن) و بهای اجاره مسکن با دو اتاق را ۲۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان فرض کنیم، یک کارگر لاقط بایستی ماهانه ۴۵۰ تا ۵۰۰ هزار تومان درآمد داشته باشد که بتواند با آن زندگی خود و خانواده اش را بچرخاند.

معاون وزارت کار رژیم به نرخ تورم ۱۳ درصدی اعلام شده از سوی بانک مرکزی استناد می کند تا تعیین دستمزدها در زیر خط فقر را توجیه کند. ۲۷ سال پس از حاکمیت جمهوری اسلامی امروز چه کسی است که نداند ارقام اعلام شده از سوی بانک مرکزی به کلی غیر واقعی و ساختگی اند. همگان و از جمله معاون وزیر کار نیز این را می دانند.

کند که مشکلات کارگران به حداقل برسد و کارگران بتوانند زندگی آبرومندانه ای داشته باشند. بلافاصله معلوم شد دستمزد مورد نظر ایشان که کارگران بتوانند با آن زندگی آبرومندانه ای داشته باشند، رقم ۱۷۰ هزار تومان است و بعداً کاشف به عمل آمد که کمیته دستمزد کانون عالی شوراها اسلامی در جلسه شورای عالی کار، رقم ۱۶۳ هزار تومان را پیشنهاد کرده است!

بدین سان سران شوراها اسلامی و خانه کارگر در همان حال که گله می کردند چرا صحبتی از جلسات شورای عالی کار در میان نیست و سرگرم شکوائیه نویسی به "دیوان عدالت اداری" پیرامون بی قانونی های وزیر کار و بالاخره تهیه طومار و ارسال به "رئیس جمهور محبوب و معظم" بودند، در عین حال در پشت پرده طبق معمول سرگرم بده بستان و زد و بند با دولت و کارفرماها بودند و سرانجام در اجلاس نهم اسفند با رقم ۱۵۰ هزار تومان به عنوان حداقل دستمزد توافق کردند و برای هزار و یکمین بار نشان دادند که این ارگانهای ارتجاعی- ضد کارگری، تا عمق استخوان به طبقه حاکم وابسته اند، دستشان در دست دولت و کارفرماست، کارگزار سرمایه اند و وظیفه ای جز رفع و رجوع تنگناها و مشکلات دولت و کارفرمایان در محیط های کارگری به زیان کارگران ندارند.

دهم اسفند، ابراهیم نظری جلالی معاون وزیر کار، میزان حداقل دستمزد کارگران مشمول قانون کار برای سال ۸۵ را ۱۵۰ هزار تومان اعلام کرد. وی در عین حال چنین اعلام نمود که نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی ۱۳ درصد و افزایش دستمزد، ۹ درصد بیشتر از نرخ اعلام شده است.

اعلام این تصمیم که فوراً با "استقبال" سران خانه کارگر و شوراها اسلامی روبرو گردید، اعتراض و ناراضی شدید توده کارگران را در پی داشت. به راستی با ۱۵۰ هزار تومان دستمزد ماهانه، یک کارگر چگونه باید مخارج سرسام آور زندگی خود و اعضای خانواده اش را تأمین کند. دولت، کارفرما و عمال این دو شوراها اسلامی، برچه مبنائی دستمزد کارگران را ۱۵۰ هزار تومان تعیین کرده اند؟ وقتی که خط فقر رقمی حدود ۳۰۰ هزار تومان است (از ۲۵۰ تا ۳۵۰ هزار تومان عنوان شده است) باتعیین دستمزدی نه فقط در زیر خط فقر، بلکه یک دوم خط فقر، آیا کارگر را محکوم

پیام شرکت کنندگان در دهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) به زندانیان سیاسی و خانواده های جانباختگان فدائی و همه جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم

رفقا، یاران، مدافعان آزادی و سوسیالیسم!

دهمین کنفرانس سازمان در شرایطی برگزار می شود که رژیم جمهوری اسلامی در تداوم ۲۷ سال حاکمیت ننگین خود، که مترادف برقراری اختناق و اعمال سرکوب سیستماتیک است، بار دیگر به دستگیری، شکنجه و اعدام مخالفان سیاسی، فعالان جنبش کارگری و سایر جنبش های اجتماعی ابعاد گستردهای بخشیده است. حاکمیت جمهوری اسلامی به عینہ نشان داده است که رژیم اسلامی ایجاد رعب و وحشت، سرکوب و اختناق را یگانه راه حفظ پایه های حکومت خویش، و تداوم حاکمیت نظام ستمگرانه سرمایه می داند. از این رو آن ها طی سال های متمادی ابتدائی ترین حقوق فردی و اجتماعی را از توده های مردم ایران سلب کرده اند و درمقاطعی که تداوم سلطه حکومت را در خطر دیده اند، به سرکوب گسترده و اعدام دستجمعی مخالفان دست زده اند. سرکوب و وحشیانه نیروهای انقلابی و سایر جریانات در اپوزیسیون پس از ۳۰ خرداد ۶۰، پاسخ حکومت اسلامی به رشد گرایشات رادیکال و انقلابی در میان کارگران و توده های مردم در فضای بالانسبه دمکراتیک پس از قیام بود. حکومت اسلامی بادیستگیری و اعدام هزاران تن از مخالفان و قلع و قمع سازمانهای سیاسی، و به راه انداختن جو ناسیونالیستی که لازمه تحمیل ۸ سال جنگ خونین به توده های مردم بود، تلاش کرد که در آن مقطع حاکمیت خویش را تثبیت نماید. شکست مفتضحانه رژیم در جنگ ارتجاعی و سرکشیدن جام زهر توسط خمینی مرتجع، گسترش نارضایتی توده های مردم و هراس از دست رفتن کنترل اوضاع، سبب شد که قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ در زندان های سراسر کشور در دستور کار قرار گیرد. دژخیمان جمهوری اسلامی طی مدت کوتاهی هزاران زندانی سیاسی را قتل عام کردند تا حاکمیت اسلام و تداوم حاکمیت سرمایه راتضمین کرده باشند. اما تا ظلم و ستم هست، مبارزه نیز هست. با گذشت مدت کوتاهی دوباره زندان ها از زندانیان سیاسی انباشته شد. نویسندگان، روشنفکران، مخالفان سیاسی، دانشجویان؛ نسلی که دوران حاکمیت اسلام پرورش یافته بود، مبارزه علیه سرکوب و اختناق و بی حقوقی فردی و اجتماعی را گسترش دادند. گسترش مبارزت کارگری، مبارزه فعال زنان علیه آپارتاید جنسی، و مبارزات صنفی و سیاسی سایر اقشار توده مردم، رژیم را که ناتوان از پاسخگویی به ابتدائی ترین مطالبات اقشار و طبقات زحمتکش است، بار دیگر به تشدید خفقان و سرکوب گسترده تشجیع کرد.

اوضاع سیاسی منطقه خاور میانه در سال های اخیر از یک سو و رشد مبارزات کارگری از سوی دیگر بار دیگر حکومت اسلامی را در نقطه ای قرار داده اند که سران حکومت از وحشت از دست رفتن کنترل اوضاع به نظامی تر کردن جامعه همت گماشته اند. دولت احمدی نژاد با دامن زدن به بحران در روابط خارجی تلاش می کند اذهان را از مسائل و مصائب داخلی منحرف سازد و هم زمان دستگیری های دستجمعی، اعدام مخالفان و محدودتر کردن فعالیت های سیاسی و اجتماعی را در دستور کار قرار داده است. حکومت اسلامی بی شرمی را به جایی رسانده که کارگرانی را که به دفاع از حقوق صنفی خود برخاسته اند، دستجمعی دستگیر می کند و تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار می دهد. حتا همسران و کودکان این کارگران نیز از گزند مأموران رژیم در امان نیستند. فعالان جنبش دانشجویی، فعالان جنبش زنان، فعالین سیاسی که از حقوق برابر خلق ها دفاع می کنند، نویسندگان، روزنامه نگاران و ناشران همگی با سرکوب و پیگرد روبرو هستند. زندان ها انباشته از مخالفان سیاسی، مبارزان، و فعالان جنبش های اجتماعی است.

رفقا، یاران، مدافعان آزادی و سوسیالیسم!

رژیم جمهوری اسلامی گرچه در زمره ارتجاعی ترین رژیم های عصر حاضر است و جنایات این رژیم باجنایات نژاد پرستان آفریقای جنوبی، و فاشیست های دهه ۴۰ اروپا قابل مقایسه است، اما تنها حکومتی نیست که گمان می کند با سرکوب و کشتار و ایجاد ترور و وحشت می تواند حاکمیت خود را ابدی سازد. اما تاریخ نشان داده است که هیچ درجه از سرکوب و اختناق قادر نیست توده مردم را از پافشاری بر خواست های برحق خود برحذر دارد. حضور هزاران انسان شریف و زحمتکش که هم اکنون در زندان های جمهوری اسلامی و وحشیانه ترین شکنجه های قرون وسطائی را تحمل می کنند و در مقابل ظلم و ظالمان سرخم نمی کنند، گواهی بر این مدعاست. ما به پایداری و استقامت زنان و مردانی که با مقاومت خویش، دژخیمان را تحقیر می کنند، ارج می نهیم و عزم راسخ داریم که تا پایان دادن به سرکوب و اختناق، و نظام سرمایه داری که منشاء نابرابری و استثمار و سرکوب است، از پای ننشینیم.

خانواده های زندانیان سیاسی، جانباختگان فدائی و همه مدافعان آزادی و سوسیالیسم!

فرزندان، همسران و پدران و مادران شما با قدم نهادن در راه دفاع از سوسیالیسم و آزادی های سیاسی، و مبارزه با نابرابری های اجتماعی، راه بزرگ دفاع از حقوق انسانی را برگزیده اند. گرچه فقدان آنان، ناملایمات و دشواری های زندگی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی را افزون می کند، اما آنان در قلب همه انسان هائی جا دارند که به جهانی فراتر از جهان ناعادلانه کنونی می اندیشند. شما تنها نیستید، میلیونها انسان مدافع آزادی و سوسیالیسم در کنار شما هستند.

ما شرکت کنندگان در دهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) به مقاومت و مبارزه زندانیان سیاسی علیه حکومت اسلامی و نظام سرمایه داری ارج می نهیم و به پایداری خانواده های جان باختگان فدائی و همه مدافعان آزادی و سوسیالیسم درود می فرستیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، زنده با دسوسیالیسم
اسفند ماه ۱۳۸۴

شرکت کنندگان در دهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت)

پیام شرکت کنندگان در دهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) به رفقای هوادار و فعالین سازمان

رفقای هوادار و فعالین سازمان!

ما شرکت کنندگان در دهمین کنفرانس سازمان، قبل از هر چیز بر شما و مبارزات شما علیه نظم ارتجاعی موجود درود می فرستیم و بر پیکار بی امانتان در راه تحقق اهداف و آرمان های سوسیالیستی سازمان که جدا از اهداف و آرمان های طبقه کارگر ایران نیست، ارج می گذاریم. شما در شرایطی به مبارزه علیه ارتجاع اسلامی و نظم موجود ادامه می دهید که جامعه ایران با یک بحران حاد سیاسی رو به روست. این بحران که بازتاب تضادهای فزاینده و لاینحل اجتماعی است بیش از پیش تشدید شده است. راه کارهای گوناگون جناح های حکومتی و حامیان آنها برای حل بحران و تضادهای موجود تماماً با شکست روبه رو شده است. با روی کار آمدن احمدی نژاد نیز نه تنها بحران سیاسی فروکش نکرد و تضادها و کشمکش ها کاهش نیافت، بلکه بر شدت بحران و دامنه تضادها افزوده شده است. مناقشه جمهوری اسلامی با آمریکا و اروپا بر سر مسائل اتمی، بردامنه بحران افزوده و آن را ژرف تر ساخته است.

رفقا!

رژیم جمهوری اسلامی که از حل بحران و تخفیف تضادها عاجز است، یگانه راه حاکمیت خود را سلب بیش از پیش حقوق دمکراتیک توده های مردم و توسل به سرکوب و سر نیزه یافته است. کارگران به وحشیانه ترین شکلی استثمار می شوند. هرگونه اعتصاب و اعتراض کارگری بی رحمانه سرکوب می شود. کارگران حق اعتراض و اعتصاب ندارند. ایجاد تشکل های مستقل کارگری ممنوع است. کارگرانی که دست به ایجاد تشکل های مستقل خود زده اند، گروه گروه بازداشت، محاکمه، حبس و از کار اخراج می شوند. زنان از حقوق انسانی خود محروم اند. تبعیض و ستم جنسی علیه زنان بیداد می کند. نابرابری جنسی یک اصل خدشه ناپذیر نظم موجود است. جمهوری اسلامی در قوانین رسمی و ارتجاعی خود، تبعیض، ستم، نابرابری جنسی و بی حقوقی زنان را رسمیت داده و فوق العاده آن را تشدید نموده است. انبوه عظیمی از جوانان و دانشجویان یا بیکارند و یا نسبت به آینده شغلی خود شدیداً نگران اند. جمهوری اسلامی که یک مشت دزد و غارتگر در رأس آن قرار دارند، هیچگونه چشم انداز امیدوار کننده ای در برابر آنان نگذاشته است و در یک کلام، اکثریت عظیم توده های زحمتکش مردم با فقر، بیکاری، گرسنگی، اعتیاد، فحشا، پدیده کودکان کار و کودکان خیابانی و دهها مصیبت اجتماعی دیگر دست به گریبان اند. معهذاً به رغم تحمیل تمامی این فشارها و محدودیت ها، و به رغم تشدید خفقان و سرکوب، دامنه اعتراض و نارضایتی توده ای روز به روز گسترده تر شده است. جنبش های اجتماعی اعتراضی مانند جنبش اعتراضی زنان و جنبش اعتراضی دانشجویان و جوانان از رشد چشمگیری برخوردار شده است. از همه مهمتر جنبش طبقاتی کارگران در طی سال های اخیر، تحولات بس مهمی را پشت سر گذاشته و از لحاظ ارتقاء آگاهی و تشکل یابی کارگران، آشکارا وارد مراحل پیشرفته تری شده است.

رفقا!

شرایط کنونی جامعه و وظائف سنگین و بس مهمی را بر دوش سازمان و رفقای هوادار قرار می دهد. علی رغم شرایط خفقان آمیز جامعه، رفقای هوادار و فعالین سازمان باید فعالیت انقلابی-تبلیغاتی و سازمان گرانه ی خود را گسترش دهند. شرایط موجود و حدت یابی بحران سیاسی، گسترش دامنه فعالیت انقلابی، تبلیغات گسترده و سازمان دهی توده ای را می طلبد. جنبش کارگری مهم ترین و اصلی ترین عرصه فعالیت ما و دخالت فعال و آگاه گرانه در این جنبش، از اهم وظائف ماست. هسته های هوادار و فعالین سازمان بایستی فعالانه در سازمان دهی و رهبری مبارزات کارگران و زحمتکشان شرکت جویند. کارگران پیشرو و رفقای کارگری که از خط مشی سازمان پیروی می کنند، بایستی خود را در محل کار بیش از پیش، متشکل سازند و با ایجاد هسته های کارگری فعالانه در مبارزات روزمره کارگران شرکت نموده و فعالیت های تبلیغی و سازمان گرانه خود را گسترش دهند. سایر جنبش های اجتماعی نیز عرصه های گسترده ای را فرا روی فعالیت نیروهای انقلابی گشوده اند. رفقای هوادار و فعالین سازمان بایستی فعالانه در این جنبش ها نیز شرکت کنند و از موضع منافع طبقه کارگر، این جنبش ها را تقویت نمایند. امروز کمیت عظیمی از جمعیت کشور را جوانان تشکیل می دهند. جوانانی که اغلب آنها بیکارند، آینده روشنی ندارند، معترض و سرشار از انرژی و شور انقلابی اند و به درستی از رژیم ارتجاعی حاکم منتفرند. یکی از وظائف مهم هواداران و فعالین سازمان، جذب نیروهای جوان، سازماندهی آنها حول ایده های انقلابی، برنامه و خط مشی کمونیستی سازمان است.

لازم به گفتن نیست که در تمام این فعالیت ها، اصول پنهان کاری را اکیدا باید رعایت نمود. گر چه بسته به اوضاع و شرایط و با به کار بستن ابتکار و خلاقیت می توان از شیوه های گوناگون در امر مبارزه و فعالیت انقلابی استفاده نمود و فرضاً شیوه فعالیت مخفی و علنی را با هم تلفیق نمود، اما اساس فعالیت هسته هوادار بر مخفی کاری و رعایت اکید مسائل امنیتی استوار است به نحوی که تضمین کننده ادامه کاری آن باشد.

رفقای هوادار و فعالین سازمان!

بیشتر اهداف سازمان و ایفای نقش فعال و دخالت گرانه در تحولات سیاسی جامعه مستلزم فعالیت بیشتر و انسجام یافته تر و تلاش افزون تر همه ی ماست. فعالیت های مبارزاتی خود را گسترش دهید و بکوشیم در این راستا نقش شایسته ای ایفا کنیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورائی

نابود باد نظام سرمایه داری، زنده باد سوسیالیسم

اسفند ۱۳۸۴

شرکت کنندگان در دهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت)

کنفرانس دهم سازمان برگزار شد

از سپری شدن فرصت سه ماهه بحث های مقدماتی، کنفرانس دهم سازمان برگزار شد. در ابتدا هیئت رئیسه انتخاب شد و کنفرانس کار خود را با اعلام یک دقیقه سکوت به پاس بزرگداشت جانباختگان سازمان و تمامی جانباختگان راه سوسیالیسم و آزادی آغاز نمود. سپس یکی از رفقای کمیته اجرایی ضمن خوش آمد گویی به حاضرین در اجلاس، ضوابط شرکت رفا در کنفرانس و پایان کار کمیته اجرایی را اعلام نمود. در پی آن، ضوابط و مقررات حاکم بر اجلاس به عنوان آئین نامه به بحث گذاشته شد. این آئین نامه پس از یک دور بحث به تصویب رسید و این نشست کار خود را آغاز کرد. نخستین بحث کنفرانس بررسی "قطعنامه در مورد اوضاع جهان سرمایه داری" بود. این قطعنامه ابتدا برای نشست قرائت شد و در اولین دور بحث، سوالاتی پیرامون نکات ناروشن آن مطرح گردید. پس از توضیحات تکمیلی، تعدادی از رفقا پیرامون این قطعنامه سخنرانی کردند. در پی سه دور بحث، کلیت این قطعنامه با اکثریت مطلق آراء، به تصویب رسید (۹۴٪ موافق و ۶٪ ممتنع).

در ادامه نکات اصلاحی و تکمیلی از سوی شرکت کنندگان مطرح شد که انعکاس آنها در این قطعنامه به عهده تنظیم کنندگان نهائی این سند واگذار شد. پس از تصویب قطعنامه مربوط به اوضاع جهان سرمایه داری، بحث و بررسی "قطعنامه در مورد چشم انداز اوضاع سیاسی در ایران و تاکتیک های ما" در دستور کار قرار گرفت. کلیت این قطعنامه هم پس از سه دور بحث به رای گیری گذاشته شد و با اکثریت مطلق آراء، به تصویب رسید (۹۱٪ موافق و ۹٪ ممتنع). نکات اصلاحی و تکمیلی در این قطعنامه عمدتاً حول چگونگی بحران اقتصادی رژیم و تبیین ما از "کابینه نظامی-امنیتی به رهبری احمدی نژاد" بود که در این مورد بحث و بررسی انجام گرفت.

در ادامه، قطعنامه مربوط به جنبش کارگری به بحث و بررسی گذاشته شد. در مورد این قطعنامه هم شرکت کنندگان در کنفرانس در چند دور بحث، پیشنهادات تکمیلی و اصلاحی خود را مطرح کردند. این قطعنامه با ۹۱٪ آراء موافق، ۳٪ مخالف و ۶٪ ممتنع تصویب شد.

قطعنامه بعدی که باید مورد بحث و بررسی شرکت کنندگان در کنفرانس قرار می گرفت مربوط به برنامه عملی و مشخص ما برای الغاء سنم، تبعیض و نابرابری ملی بود. بحث حول این مسئله که در واقع از کنفرانس نهم

آغاز شده بود، در فاصله میان دو کنفرانس نهم و دهم در دستور کار تشکیلات قرار داشت. در این راستا چند جلسه بحث درونی از سوی کمیته اجرایی تدارک دیده شد که رفقای عضو و کاندید عضو در آن شرکت کردند. در ضمن صفحات بولتن داخلی ویژه کنفرانس دهم نیز شاهد درج مطالب مختلفی در این مورد بود. این قطعنامه با در نظر گرفتن تغییرات در اوضاع سیاسی جهان و تحولات سال های اخیر، خواهان حذف مطالبه حق تعیین سرنوشت که زمانی به عنوان یک پرنسپ در بخش مطالبات فوری برنامه کمونیست ها جای داشت، بود. در همین رابطه قطعنامه ای هم از سوی یکی از رفقا به کنفرانس ارائه شد که ضمن مخالفت با قطعنامه پیشنهادی کمیته اجرایی، خواهان ابقاء بند مربوط به مطالبه حق تعیین سرنوشت با کمی اصلاح و اضافات نگارشی در برنامه سازمان بود. در ابتدا قطعنامه پیشنهادی کمیته اجرایی قرائت شد و دو نفر در مخالفت و دو نفر در موافقت با این قطعنامه صحبت کردند. سپس بحث حول این قطعنامه آغاز شد. پس از سه دور بحث، کلیت این قطعنامه به رای گذاشته شد و با اکثریت مطلق آراء به تصویب رسید.

(۶۴٪ رای موافق، ۱۸٪ رای مخالف و ۱۸٪ رای ممتنع) پیش از آنکه قطعنامه دیگر به بحث و بررسی گذاشته شود، از سوی برخی رفقا تذکر داده شد که این قطعنامه نمی تواند در تقابل با قطعنامه تصویب شده، به رای گیری گذاشته شود. توضیح هم این بود که با قبول و یا رد قطعنامه پیشنهادی کمیته اجرایی، ما در واقع حذف و یا ابقاء این بند را در برنامه تعیین کردیم و حال نمی توانیم دوباره در مورد ابقاء این بند در برنامه رای گیری کنیم. به این دلیل بحث و تصمیم گیری در مورد قطعنامه دوم به رای کنفرانس گذاشته شد و اکثریت رفقا به کفایت بحث و عدم ضرورت بررسی قطعنامه دوم رای دادند. به این ترتیب بحث حول این قطعنامه از دستور کار کنفرانس خارج شد (۷۰٪ آراء موافق، ۹٪ مخالف و ۲۱٪ ممتنع).

قطعنامه بعدی که باید به رای گیری گذاشته می شد مربوط به سیاست عملی ما نسبت به جنبش زنان بود. در این زمینه دو قطعنامه کنفرانس ارائه شده بود. در ابتدا قطعنامه پیشنهادی کمیته اجرایی قرائت شد و حول آن سه دور بحث انجام گرفت. سپس قطعنامه پیشنهادی دیگری که از سوی دو رفیق به کنفرانس ارائه شده بود، قرائت شد و حاضرین در کنفرانس سوالاتی را مطرح کردند و رفقای تنظیم کننده این قطعنامه

توضیحاتی در این زمینه دادند. ارزیابی هیئت رئیسه کنفرانس این بود که این دو قطعنامه در خطوط کلی تفاوت چندانی با یکدیگر نداشته و می توان این دو قطعنامه را باهم ترکیب کرد و قطعنامه واحدی تهیه نمود. پیشنهاد ایجاد کمیسیونی برای ادغام این دو قطعنامه نیز از سوی برخی از حاضرین به نشست ارائه شد و رای گیری در این مورد نشان داد که اکثریت مطلق رفقای حاضر در کنفرانس با این پیشنهاد موافق هستند. این کار به عهده یک کمیسیون ۴ نفره گذاشته شد. قطعنامه تهیه شده توسط کمیسیون، با ۹۴٪ آراء موافق، ۳٪ مخالف و ۳٪ ممتنع تصویب شد. علاوه بر این، رفقای تنظیم کننده این قطعنامه، قطعنامه دیگری تحت عنوان "قطعنامه در مورد برنامه عمل ما در مورد همجنس گرایی" و افزودن آن به برنامه سازمان، به کنفرانس ارائه کردند. در چند دور بحث، رفقای موافق و مخالف با این قطعنامه نظرات خود را به کنفرانس ارائه دادند. افزودن آن به برنامه سازمان رد شد و قرار شد به صورت قطعنامه ای در محکومیت سرکوب هم جنس گرایان انتشار یابد. این قطعنامه با اکثریت مطلق آراء به تصویب رسید (۹۴٪ موافق، ۶٪ ممتنع). تنظیم اصلاحات نگارشی و نکات توضیحی ارائه شده از سوی شرکت کنندگان کنفرانس به عهده کمیسیونی گذاشته شد که تنظیم قطعنامه مربوط به جنبش زنان را به عهده گرفته بود. قطعنامه دیگری نیز از سوی یکی از رفقا پیرامون شرایط عضویت در کمیته اجرایی سازمان به کنفرانس ارائه شده بود که پس از بحث های مخالف و موافق و پیش از رای گیری، از سوی رفیق پیشنهاد دهنده پس گرفته شد و به این ترتیب از دستور کار کنفرانس خارج شد.

پس از خاتمه بحث و تصمیم گیری حول قطعنامه های پیشنهادی، بحث حول شکل سازماندهی ما در دوره آتی مطرح شد. در این زمینه طرحی از سوی یکی از رفقا به تشکیلات ارائه شده بود که در سه دور بحث، از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفت. سرانجام این طرح به رای گیری گذاشته شده و با اکثریت مطلق آراء به تصویب رسید (۶۷٪ آراء موافق، ۱۲٪ مخالف و ۲۱٪ ممتنع).

پس از این، نوبت به انتخاب رهبری آتی سازمان رسید. اجرای سرود انترناسیونال در میان مشت های گره کرده شرکت کنندگان، نقطه پایان دهمین کنفرانس سازمان بود.

قطعه‌نامه در مورد سیاست عملی ما نسبت به جنبش زنان

نظر به این که:

- زنان در ایران با تبعیض، ستم و نابرابری در عریان‌ترین شکل آن رو به رو هستند.

- جمهوری اسلامی از بدو به قدرت رسیدنش تا کنون، ارتجاعی‌ترین سیاست‌ها را در مورد زنان به مرحله اجرا در آورده، با وضع قوانین ارتجاعی، واپس‌گرایانه و ضد انسانی، پایمال کردن حتا حقوق و آزادیهای فردی زنان، و اجرای اپارتاید جنسی، این تبعیض، ستم و نابرابری را به منتها درجه رسانده است.

- قوانین جمهوری اسلامی، علاوه بر به رسمیت شناختن چند همسری، صیغه برای مردان، حجاب اجباری و معمول داشتن مجازات‌های وحشیانه در مورد زنان، نظیر سنگسار و شلاق، بر طبق مواد ۶۳۰ و ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی، قتل‌های ناموسی و خشونت علیه فرزندان توسط مردان را در چارچوب خانواده نیز مجاز دانسته و بدین طریق علاوه بر اعمال ستم و خشونت دولتی علیه زنان، خشونت علیه زنان در چارچوب خانواده را نیز مورد حمایت قانونی قرار داده است.

- زنان طبقه کارگر، علاوه بر ستم جنسی، با ستم طبقاتی نیز رو به رو هستند و از استثمار، بیکاری، فقر و گرسنگی و محرومیت از هرگونه تأمین اجتماعی رنج می‌برند.

- این نابرابری، تبعیض‌ها و ستم‌ها که بر خاسته از ماهیت نظام طبقاتی سرمایه‌داری حاکم بر ایران و سیاست‌های به غایت ارتجاعی جمهوری اسلامی است، نه فقط مانع از حضور و مداخله فعال و برابر زنان در تمام عرصه‌های زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه ایران شده است، بلکه محرومیت قانونی و رسمی را در پی داشته است،

لذا اعتراضات و مبارزات زنان به رغم پی‌گردها و سرکوب‌های وحشیانه رژیم، علیه این ستم‌گری‌ها روز به روز اعتلاء یافته و جنبش زنان علیه تبعیض، نابرابری، ستم و مردسالاری وسعت گرفته است. این مبارزه در سطوح مختلف، از مبارزه علیه حجاب اجباری، سنگسار، قوانین ارتجاعی طلاق تا مبارزه علیه کلیت اجحافات و نابرابریها و تبعیضات اجتماعی و سیاسی در جریان است. معهذاً ضعف اصلی جنبش زنان در نا متشکل بودن آن و رابطه محدود اش با جنبش‌های اجتماعی دیگر، به ویژه جنبش طبقاتی کارگران است.

در جنبش زنان ایران گرایشات متعددی حضور دارند. از گرایش زنان بورژوا که خواهان تعدیل‌های ناجیز در وضعیت زنان به شیوه‌ای بوروکراتیک و با برابری حقوقی صوری و محدود اند، تا گرایشی که خواهان بر انداختن هرگونه ستم و تبعیض به شیوه‌ای رادیکال و انقلابی است

سازمان ما که خواهان بر انداختن هرگونه ستم، تبعیض و نابرابری و نه فقط بر انداختن ستم جنسی، بلکه ستم طبقاتی است و از برابری کامل و همه‌جانبه اجتماعی و سیاسی زن و مرد دفاع می‌کند، از تشکل‌های زنان تا جایی که به شیوه ای رادیکال، برای برابری حقوق اجتماعی و سیاسی زنان مبارزه می‌کنند، حمایت می‌کند. اما در همان حال، آن گرایشات و تشکل‌هایی را که خواهان تغییراتی محدود در وضعیت زنان به شیوه‌ای بوروکراتیک و از بالا در چارچوب نظم موجودند، افشا می‌کند.

سازمان ما که خواهان بر انداختن هرگونه ستم، تبعیض و نابرابری، نه فقط بر انداختن ستم جنسی، بلکه ستم طبقاتی است و از برابری کامل و همه‌جانبه اجتماعی و سیاسی زن و مرد دفاع می‌کند، به عنوان برنامه فوری خود، خواهان اجرای بلادرنگ موارد زیر است:

۱- هرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت باید به فوریت ملغاً گردد و

قطعه‌نامه در محکومیت سرکوب هم جنس گرایان در ایران

نظر به این که:

رژیم جمهوری اسلامی عموم توده‌های مردم را به اشکال مختلف در معرض ستم، سرکوب و تبعیض قرار داده و می‌دهد،

نظر به این که:

در تمامی دوران حیات حاکمیت این رژیم، افرادی بنا به گرایشات جنسی خود تحت سرکوب، ستم و اعدام قرار گرفته و می‌گیرند، ما ضمن محکوم کردن سیاست‌های سرکوبگرانه حکومت اسلامی در این زمینه خواهان،

- ممنوعیت هرگونه تبعیض و سرکوب بر پایه گرایشات جنسی و لغو هرگونه قوانین و مجازات علیه هم جنس گرایان می‌باشیم.

زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان برخوردار گردند.

۲- تمام قوانین و مقررات ارتجاعی مربوط به تعدد زوجات، صیغه، حق طلاق یک جانبه مرد، تکفل و سرپرستی فرزندان، قوانین و مقررات تبعیض آمیز در مورد ارث، جداسازی زن و مرد در مؤسسات و مراکز عمومی و تمام مقررات و اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه نظیر شلاق، سنگسار و غیره باید به فوریت ملغاً گردند.

۳- لغو حجاب اجباری، ممنوعیت هرگونه فشار و اجبار در مورد نوع پوشش زن، زنان باید از حق آزادی انتخاب پوشش برخوردار باشند.

۴- هرگونه فشار، تحقیر، اجبار، انیت و آزار و خشونت علیه زنان در محیط خانوادگی ممنوع و مجازات شدیدی در مورد نقض آن‌ها اعمال گردد.

۵- آزادی کامل زن در انتخاب شریک زندگی خود، روابط خصوصی زن باید از هرگونه تعرض مصون باشد.

۶- حق سقط جنین، باید بدون قید و شرط به رسمیت شناخته شود

۷- زنان باید آزادانه و بابراری کامل با مردان در تمام شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مشارکت داشته باشند و به تمام مشاغل و مناصب در همه سطوح دسترسی داشته باشند.

۸- برخورداری زنان از حقوق و مزایای کامل و برابر با مردان در ازای کار مساوی.

۹- ممنوعیت کار زنان در رشته‌هایی که برای سلامتی آنها زیان آور باشد.

۱۰- تسهیلات رایگان چون شیرخوارگاه، مهدکودک، حق رسیدگی به نوزادان در محل کار. پدر و مادر به طور یکسان از این تسهیلات استفاده نمایند.

۱۱- مرخصی زنان باردار یک ماه قبل و ۶ ماه بعد از زایمان بدون کسر حقوق، با برخورداری از امکانات پزشکی، درمانی و دارویی رایگان.

کمک های مالی

کانادا

نفسیه ناصری	۱۰ دلار
ستاره	۲۰ دلار
لاکومه	۵۰ دلار

سوئد

می- رحیم	۱۵۰ کرون سوئد
----------	---------------

قطعه‌نامه در مورد جنبش کارگری

- ۱- رژیم جمهوری اسلامی با یک بحران عمیق سیاسی و اقتصادی دست به گریبان است. این بحران که بازتاب مجموعه ای از تضادهای لاینحل جامعه ایران است، بیش از پیش تشدید گشته و تعمیق یافته است. تمامی تلاش ها و راه حل های جناح ها و گروه بندی های مختلف وابسته به طبقه حاکم برای حل بحران با شکست روبرو شده است. با روی کار آمدن احمدی نژاد، نه تنها بحران فروکش نکرد و تضادها و کشمکش ها حتا تعدیل هم نیافت، بلکه بر شدت بحران و دامنه تضادها و کشمکش ها به طور محسوسی افزوده شده است. تجربه یک ربع قرن حاکمیت جمهوری اسلامی، نشان می دهد که جمهوری اسلامی از حل معضلات و پاسخ گویی به نیازهای جامعه عاجز است. لذا بحران سیاسی و اقتصادی بازم تشدید می شود و بر عمق و دامنه نارضایتی و مبارزات توده ای افزوده می شود.
- ۲- در برابر جامعه و برای حل بحران و معضلات موجود جز یک انقلاب و دگرگونی بنیادی نظم موجود راه دیگری وجود ندارد. راهی که طبقه کارگر پیگیر آن را دنبال می کند. تنها انقلاب و تحولات رادیکال و انقلابی است که راه حل نهایی بحران های موجود را می گشاید.
- ۳- جنبش های اعتراضی افشار مختلف مردم روز به روز گسترش یافته و رادیکال تر می شوند. این جنبش ها به رغم حقانیت شان، در غیاب طبقه کارگر سرنوشتی جز شکست ندارند و اگر جنبش طبقاتی کارگران در صف مقدم این جنبش ها قرار نگیرد و طبقه کارگر مهر خود را بر آن نکود، تحولات رادیکال و انقلابی متحقق نخواهد شد.
- ۴- مبارزه طبقاتی کارگران در طی دو سال گذشته، نوید بخش ورود متشکل تر کارگران به این صحنه است. اصلی ترین و مهمترین نیروی عرصه فعال مبارزه در این دوره، جنبش طبقاتی کارگران بوده است. جنبش طبقاتی و بالنده ی کارگران در فاصله دو کنفرانس سازمان، تحولات مهمی را پشت سر گذاشته و به نحو چشمگیری رشد و ارتقاء یافته است.
- ۵- به رغم ممنوعیت اعتصاب و اعتراض و به رغم موانع و محدودیت هائی که سرمایه داران و دولت آنها بر سر راه کارگران ایجاد کرده اند، اما کارگران صدها اعتصاب و تجمع اعتراضی برپا کرده و در اشکال متنوعی برای دست یابی به مطالبات خود مانند افزایش دستمزدها، توقف اخراج ها و بیکار سازی ها، الغاء قراردادهای موقت، انحلال شرکت های پیمانکاری، پرداخت به موقع دستمزدها، حق اعتصاب و حق ایجاد تشکل های مستقل کارگری دست به مبارزه زدند.
- ۶- مجموعه این اعتراضات که از لحاظ کمی با افزایش روبه رو بوده، به لحاظ کیفی نیز رشد و ارتقاء یافته است. اعتصابات متعدد و گاه طولانی مدت کارگران با خواست های سیاسی و اقتصادی، هماهنگ سازی مبارزات و اجتماعات اعتراضی کارگری، همبستگی کارگری، حمایت و پشتیبانی عملی و علنی از مبارزات و خواست های کارگری، برنامه ریزی و سازماندهی اقدامات اعتراضی و برگزاری مراسم های مختلف مستقل کارگری به مناسبت اول ماه مه، تماما نشان دهنده رشد و ارتقاء درجه آگاهی کارگران و پیشرفت جنبش طبقاتی کارگران است.
- ۷- کارگران از حق ایجاد تشکل های مستقل خود محروم اند. جمهوری اسلامی به شدت مخالف تشکل یابی کارگران است و تنها ارگان ها و نهاد های وابسته به خود را به رسمیت می شناسد. هر جا که کارگران خواسته اند مستقلا وارد عمل شوند، به سرنیزه و سرکوب متوسل شده است. علی رغم این، کارگران برای تشکل یابی خود و ایجاد تشکل های مستقل کارگری از تلاش باز نایستاده اند. یک نمونه برجسته آن تلاش کارگران شرکت واحد برای ایجاد و دفاع از سندیکای خود است. تشکل های مستقل کارگری به یک خواست مهم و اساسی کارگران در مقیاس وسیع تبدیل شده اند. کارگران هر جا که توانسته اند خود را متشکل ساخته و بنا به موقعیت و شرایط محل کار خود، تشکل های مورد نظر خود را نیز بر پا کرده اند. کمیته های مختلفی در سطح کارخانه ها تشکیل شده و ارتباط هائی میان آنها نیز برقرار شده است. برخی کمیته های کارگری فراکارخانه ای نیز شکل گرفته اند که در ایجاد ارتباط و پیوند میان کمیته های کارخانه می توانند نقش مهمی ایفا کنند. کارگران به تلاش و مبارزه برای ایجاد تشکل های مورد نظر خود ادامه می دهند. متشکل شدن کارگران و ایجاد تشکل های مستقل کارگری روند تاثیر گذاری و مداخله طبقه کارگر در تحولات سیاسی جامعه ایران را تسریع نموده و بیش از این تسریع می کند. این پدیده ها تماما نشانه پیشروی کارگران در عرصه تشکل یابی و نشانه پیشرفت انکار ناپذیر جنبش طبقاتی کارگران است که در بیست سال گذشته سابقه نداشته است.
- ۸- کارگران به تجربه می آموزند که مناسب ترین تشکل غیر حزبی کارگری در شرایط کنونی کمیته های کارخانه اند. کمیته های کارخانه رادیکال ترین تشکل های کارگری در محل تولید اند و همیشه در دسترس کارگران قرار دارند. این کمیته ها که در برگیرنده پیشروترین و آگاه ترین کارگران کارخانه اند، نه تنها اکنون قادرند مبارزات روزمره کارگران را سازمان دهی و رهبری کنند، بلکه به علت قابلیت انعطاف و خصلت رادیکال خود، در شرایط رشد بحران و اعتلاء بیشتر جنبش نیز به سرعت می توانند به کمیته های اعتصاب تبدیل شوند و نقش مهمی در سازماندهی و رهبری جنبش طبقاتی کارگران و ارتقای آن به مراحل عالی تر ایفا کنند. با پیشرفت مبارزه طبقاتی، این کمیته ها، به شوراها و ارگانهای اعمال قدرت کارگری تبدیل می شوند.
- در شرایط کنونی تلفیق اشکال مبارزه و فعالیت مخفی، نیمه مخفی و علنی، حائز اهمیت بسیار زیادی است. با عطف توجه به این مسئله، کمیته های کارخانه را باید در تمام واحدهای تولیدی و صنایع بزرگ ایجاد نمود. تحکیم و گسترش ارتباط میان این کمیته ها برای پیشرفت مبارزه کارگری یک امر ضروری است. البته این به معنای نفی اشکال دیگر تشکل یابی کارگران نیست. کارگران صنوف و کارگاه های کوچک که در آن ها امکان ایجاد کمیته و شورا وجود ندارد عموما در سندیکا متشکل می شوند. از این گونه سندیکاها که مستقل از دولت و توسط خود کارگران ایجاد می شود باید حمایت نمود و برای رادیکال کردن آن ها تلاش کرد.
- ۹- جامعه ایران آستان تحولات است. این که این تحولات به یک انقلاب پیروزمند کارگری فرابروید و طبقه کارگر قدرت سیاسی را به چنگ آورد، تماما به این مسئله بستگی دارد که کارگران تا چه میزانی به آگاهی سیاسی دست یافته و خود را متشکل نموده اند. طبقه کارگر در مبارزه علیه طبقات مرتجع باید به نیروی خود و حمایت بین المللی کارگران سراسر جهان اتکا کند و هیچ توهمی به سازمان ها و نهادهای بین المللی بورژوائی و بورژوا- رفرمیست نداشته باشد.
- اگرچه جنبش طبقاتی کارگران هنوز به آن مرحله ای نرسیده است که بتواند به عنوان جنبش آگاهانه طبقه کارگر نقش قطعی خود را در این تحولات ایفا کند، اما سرعت تحولات، بالندگی و پویائی درونی جنبش طبقاتی کارگران و همچنین مجموعه پیشرفت های جنبش کارگری طی این دوره که بیان گر ارتقای میزان آگاهی و تشکل یابی در صفوف طبقه کارگر است، نوید بخش فرارویی جنبش طبقاتی کارگران به چنین جایگاهی است.
- ۱۰- تمام کوشش ها و تاکتیک های مبارزاتی سازمان ما باید معطوف باشد به ارتقاء هر چه بیشتر درجه آگاهی در صفوف کارگران و تقویت هرچه بیشتر تشکل یابی طبقه کارگر به منظور تامین رهبری بلامنزاع انقلاب و کسب قدرت سیاسی.

قطعنامه در مورد چشم انداز اوضاع سیاسی در ایران و تاکتیک‌های ما

نظر به این که:

- ۱- جامعه ایران در نتیجه تشدید روز افزون تضادهای اجتماعی موجود و لاینحل ماندن آنها در عرصه‌های اقتصادی- اجتماعی، همچنان با یک بحران سیاسی رو به روست.
- ۲- ناتوانی و شکست گروه‌های موسوم به اصلاح طلب رژیم، به رغم حمایت و پشتیبانی همه جانبه بورژوازی داخلی و بین‌المللی، به وضوح نشان داد که تضادهای اجتماعی موجود به آن درجه از رشد و ستیز رسیده‌اند که حتی تخفیف آنها در چارچوب نظام موجود، امکان‌پذیر نیست.
- ۳- استقرار یک کابینه نظامی- امنیتی، به رهبری احمدی نژاد و قرار گرفتن نیروهای سپاه پاسداران، بسیجی و امنیتی در راس امور سیاسی، اداری و حتا مراکز و موسسات اقتصادی کشور، بیان روشن دیگری از تشدید تضادها و بحران‌هایی است که رژیم حاکم پس از یک ربع قرن، با آنها رو به روست.
- ۴- تحولات اخیر درونی هیئت حاکمه، منجر به تشدید تضادها و اختلافات جناح‌های رژیم و باندهای جناح حاکم شده است و در همان حال وضعیت بین‌المللی رژیم و انفراد آن رو به وخامت نهاده است.
- ۵- مطالبات اقتصادی و سیاسی کارگران و زحمتکشان نه تنها تحقق نیافته، بلکه در نتیجه عمیق‌تر شدن بحران اقتصادی و تشدید فشارهای سیاسی اخیر، افزون‌تر شده است. لذا:
- الف- بر مبنای تمام فاکت‌های عینی موجود، محتمل‌ترین چشم انداز، تشدید بحران سیاسی، اعتلاء مجدد و گسترده‌تر جنبش‌های اعتراضی توده‌های کارگران، زنان، جوانان، ملیت‌های تحت ستم و تلاطمات سیاسی ناشی از این بحران است.
- ب- با در نظر گرفتن این واقعیت که تاکتیک موسوم به اصلاح طلبی بورژوازی و استحاله لیبرالی رژیم از درون، در میان توده‌های کارگر و زحمتکش افشا شده است و جنبش‌های اجتماعی موجود در طول چند سال اخیر پیوسته رادیکال‌تر شده‌اند، و با در نظر گرفتن این واقعیت که استقرار کابینه نظامی امنیتی رژیم، حاکی از تاکتیک تشدید اختناق و سرکوب رژیم برای مقابله با بحران است، تاکتیک‌های به اصطلاح لیبرالی بورژوازی بیش از پیش کارائی خود را برای مقابله با بحران و کنترل و مهار جنبش‌های توده‌ای از دست می‌دهند و صحنه مبارزه سیاسی، برای مقابله انقلاب و ضد انقلاب شفاف‌تر می‌شود.
- پ- طبقه کارگر ایران که در طول چند سال اخیر، در جریان مبارزات علنی و رو در رو با سرمایه داران و دولت آنها، پیوسته متشکل‌تر و آگاه‌تر شده است، یگانه نیروی پیگیر انقلاب است که رهبری آن بر جنبش اعتراضی توده‌ای، شرط پیروزی تمام دیگر جنبش‌های اجتماعی در ایران و تحقق مطالبات توده‌های مردم است. هیچ تحول جدی در جهت تحقق مطالبات توده‌های وسیع مردم رخ نخواهد داد، مگر در یک انقلاب که زمام آن در دست طبقه کارگر ایران باشد.
- ت- سازمان ما که برای برپائی یک انقلاب اجتماعی در ایران تلاش می‌کند و خواهان سرنگونی فوری جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورایی در ایران است، وظیفه خود می‌داند که در این اوضاع، برای تامین رهبری طبقه کارگر بر جنبش اعتراضی، تلاش کند. تاکتیک‌های بورژوازی، از جمله تلاش برای برانگیختن احساسات ناسیونالیستی حول مسئله هسته‌ای به منظور سرپوش گذاردن بر بحران‌های داخلی را افشا و خنثی نماید و تاکتیک اعتصاب عمومی سیاسی، قیام مسلحانه توده‌ای و سازماندهی شورایی را بدیل تاکتیک‌های لیبرالی و رفرمیستی بورژوازی، از قبیل توهم پراکنی در مورد مبارزه مسالمت‌آمیز برای وا داشتن رژیم به پذیرش خواست‌های مردم، رفراندوم، مجلس موسسان و امثالهم قرار دهد.

قطعنامه در مورد برنامه عملی و مشخص ما، برای الغاء ستم، تبعیض و نابرابری ملی

نظر به این که:

- ۱- دوران شکل‌گیری ملتها و جنبش‌های ملی که نیاز پیدایش جامعه سرمایه‌داری و بورژوازی در مرحله معینی از تکامل تاریخی جامعه بشری بود، به لحاظ تاریخی، مدهت‌های مدیدی است که سپری شده است.
- ۲- روند شکل‌گیری ملت‌هایی که با یک تاخیر تاریخی، مرحله تکاملی خود را آغاز نمودند، نیز با تحولات قرن بیستم و فروپاشی نظام مستعمراتی جهان به فرجام رسیده است.
- ۳- جنبش‌های ملی که در پی تحولات سیاسی اوضاع جهان در اواخر قرن بیستم شکل گرفتند، به وضوح نشان دادند که این جنبش‌ها، فاقد هرگونه توجیه تاریخی یا وظائف مشخص‌اند و صرفا ابزار دسیسه‌های دیپلماتی قدرت‌های بزرگ امپریالیست، به منظور تقسیم مجدد بازارهای جهان‌اند.
- ۴- در نتیجه همین تحولات سیاسی، بقایای جنبش‌های ملیت‌های تحت ستم نیز، اکثرا به نیروی متحد ارتجاع تبدیل شده‌اند.
- ۵- مطالبه حق تعیین سرنوشت، که زمانی با روش مارکسیستی ارزیابی مشخص و تاریخی از جنبش‌های بورژوا-دمکراتیک و رهائی ملی، به عنوان یک پرنسیپ در برنامه مطالبات فوری کمونیست‌ها جای گرفت، اکنون، به ابزاری در دست امپریالیسم، ناسیونالیسم و بنیادگرایی اسلامی برای پیشبرد سیاست‌های ارتجاعی، ضد انقلابی و ضد کارگری، تحکیم ستمگری، اسارت، ارتجاع و واپس‌گرایی، تبدیل شده است.
- لذا با در نظر گرفتن این واقعیت‌ها، بقاء آن در یک برنامه کمونیستی، دیگر مجاز نیست، چرا که نگاه‌داشتن این بند در برنامه معنای دیگری جز تبلیغ و ترویج روزمره سیاستی نخواهد داشت که در خدمت اهداف و مقاصد ارتجاع است.
- ۶- بنا بر این، حق تعیین سرنوشت باید به عنوان یک بند برنامه‌ای کنار گذاشته شود. اما حذف آن از برنامه، به معنای نفی آن به طور کلی نیست. مادام که امپریالیسم وجود دارد، مادام که توسعه‌طلبی و الحاق جبری وجود دارد، مادام که تبعیض و ستم ملی وجود دارد، این مطالبه نیز هنوز اعتبار خود را حفظ می‌کند، اما کاربرد آن منوط به یک ارزیابی مشخص خواهد شد.
- آنچه در برنامه سازمان قرار خواهد گرفت، برنامه عملی و سیاست مشخص ما برای برانداختن ستم، تبعیض و نابرابری ملی، به قرار زیر خواهد بود.
- الف- ما خواهان اتحاد داوطلبانه و آزادانه تمام ملیت‌های ساکن ایران هستیم و هرگونه الحاق و انضمام اجباری را مردود می‌دانیم.
- ب- ما خواهان برابری تمام ملیت‌های ساکن ایران هستیم. لذا، هرگونه ستم، تبعیض و نابرابری ملی، باید فوراً و بدون قید و شرط ملغاً گردد.
- پ- هرگونه امتیاز برای یک ملیت خاص باید ملغاً شود. هیچ امتیازی به هیچ ملیت و زبانی نباید داده شود. تمام ملیت‌های ساکن ایران باید از این حق برخوردار باشند که آزادانه به زبان خود سخن بگویند، تحصیل کنند و در محل کار، مجامع و موسسات عمومی، نهادهای دولتی و غیره از آن استفاده نمایند.
- ت- تقسیمات جغرافیایی و اداری موجود که توسط رژیم‌های ستمگر حاکم بر ایران، مصنوعاً ایجاد شده‌اند، باید ملغاً گردند. مناطقی که دارای ترکیب و بافت ملی و جمعیتی ویژه‌ای هستند، باید محدوده‌های جغرافیایی و اداری خود را توسط شوراهای منطقه‌ای تعیین نمایند و از خودمختاری وسیع منطقه‌ای برخوردار باشند.
- ث- اداره امور مناطق خود مختار، برعهده شوراهای منطقه‌ای منتخب خود مردم منطقه خواهد بود که بر مبنای اصل سانترالیسم دمکراتیک سازمان می‌یابند.
- ج- مردم مناطق خود مختار از طریق شوراهای منتخب خود، در کنگره سراسری شوراهای نمایندگان کارگران و زحمتکشان در تعیین سیاست‌های عمومی و مسائل مربوط به اداره امور سراسر کشور، مداخله خواهند داشت.

مراسم بزرگداشت سی و پنجمین سالگرد سیاهکل

به مناسبت ۱۹ بهمن سالگرد حماسه سیاهکل، مراسمی از سوی کمیته خارج کشور سازمان، در شهر ونکوور کانادا برگزار شد. در این مراسم، ضمن خوش آمدگویی به حاضرین در جلسه و تبریک به مناسبت سالگرد سی و پنجمین سالگرد حماسه سیاهکل؛ لحظاتی به یاد جانباختگان راه آزادی و سیوسیالیسم دست زده شد. سپس پیام سازمان فدائیان (اقلیت) واحد ونکوور در مراسم قرائت گردید. در ادامه برنامه دو تن از رفقا، ترانه سرودهایی رابه فارسی و ترکی به اجرا در آوردند. مهمان و سخنران برنامه رفیق حسن بهزاد در باره جنبش کارگری؛ چشم آنداز و آلترناتیو ها به سخنرانی پرداخت. پس از سخنرانی رفیق حسن بهزاد، در بخش پرسش و پاسخ شرکت کنندگان در مراسم به طرح سوالات و بحث پیرامون سخنرانی رفیق حسن بهزاد پرداختند.

پیامهای رسیده از سوی کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) اتاوا نیز به اطلاع حاضرین در مراسم رسید.

مراسم دیگری نیز در استکهلم سوندرگزار شد.

گزارش مراسم بزرگداشت سی و پنج-مین سالروز حماسه-ی سیاهکل در استکهلم

.....
ما کاروان قصه-های شکست
ما رویان حکایت بدرودهای تلخ
ما یادگار سال-های داغ و درفش
و رویای رنگین کمان بجای مانده از تندر و برق
به تمنای سخره-های دماوند
مانده-ایم هنوز
و سپید رود رویای سبز جاری ماست
تا ریشه-های تیشه خورده-ی این
سال-های تباهی و درد
با مهرورزی خاک
به میهمانی جنگل و رود و ستاره بنشیند
و شاخه-های زخم خورده از داس و تبر
با بوسه-های آفتاب
نوازشگر سبزینه-های بهاریشان باشند.

روز شنبه یازدهم فوریه-ی دو هزار و شش
با دعوت سازمان فدائیان (اقلیت) _ واحد
سوئد، سازمان فعالین جنبش نوین کمونیستی

پیام شرکت کنندگان در کنفرانس دهم سازمان فدائیان (اقلیت) به زنان کارگر و زحمتکش و ستمدیده به مناسبت ۸ مارس

زنان کارگر و زحمتکش و تحت ستم ایران!

ما شرکت کنندگان در کنفرانس دهم سازمان فدائیان (اقلیت) ۸ مارس، روز جهانی زن را به شما تبریک می‌گوئیم.

۸ مارس، سمبل عزم و اراده همه ما به تلاش و مبارزه برای برانداختن تبعیض و نابرابری جنسی و ستمی است که نیمی از جمعیت جهان با آن روبه رو هستند.
۸ مارس، گواهی است بر این واقعیت که ما کمونیست‌ها و کارگران سراسر جهان، همواره پیشروترین و پیگیرترین مبارزان رهائی زن از قید ستم و اسارت بوده و هستیم.
این، زنان کارگر و سوسیالیست آمریکا بودند که با هدف حصول به برابری، یک جنبش توده‌ای را برای دستمزد برابر و حق رأی سازمان دادند و این کمونیست‌های بین‌الملل دوم و چهره‌های برجسته آن، نظیر کلارا زتکین بودند که ۸ مارس را به پاس مبارزات قهرمانانه زنان آمریکائی، روز جهانی زن اعلام نمودند و جنبش کارگری اروپا را برای برانداختن تبعیض و نابرابری جنسی و کسب حق رأی برای زنان بسیج نمودند. این تلاش و پیگیری، برخاسته از عقاید سوسیالیستی ما است که با هر گونه ستمگری و نابرابری اجتماعی در ستیز قرار دارد. چرا که ما خواهان ایجاد جامعه‌ای هستیم که در آن، زنان و مردان آزاد و برابر، رها از هر گونه ستم و استثمار باشند. از همین روست که ما در حالی که برای برابری حقوق سیاسی و اجتماعی زن و مرد مبارزه می‌کنیم، اما صرفاً به برابری حقوقی قانع نیستیم، بلکه آن را فقط یک گام نخست و مقدماتی برای حصول به برابری واقعی، عملی و همه جانبه می‌دانیم که حصول به آن را تنها در یک جامعه سوسیالیستی میسر می‌دانیم. جایی که تمام اعضای جامعه از زن و مرد موظف به کارند و با اجتماعی شدن کار خانگی، زنان از اسارت و فشار کار طاقت‌فرسا و تحمیلی خانگی نجات یافته‌اند.

زنان کارگر و زحمتکش و تحت ستم!

امروز کمتر کسی است که از ستم و تبعیض و حشمتی که زنان در ایران با آن رو به رو هستند، آگاه نباشد. ایران در زمره معدود کشورهای جهان است که رژیم ارتجاعی حاکم بر آن، نه فقط برابری حتا صوری حقوقی زن و مرد را به رسمیت نشناخته، بلکه به تبعیض، نابرابری، تحقیر و خشونت نسبت به زنان شکلی عریان و قانونی داده است. تجربه تمام دوران حاکمیت جمهوری اسلامی، آشکارا به زنان تحت ستم در ایران نشان داده است که مادام جمهوری اسلامی بر سر کار است، این ستم، تبعیض و نابرابری عریان نیز ادامه خواهد یافت. پوچ بودن تمام ادعاهای مدافعین نظم موجود مبنی بر این که در چارچوب همین نظم، تحقق مطالبات فوری زنان امکان‌پذیر است، از مدت‌ها پیش آشکار شده است. راه دیگری جز تشدید مبارزه به ویژه از جانب خود زنان کارگر و زحمتکش علیه کلیت نظم موجود باقی نمانده است. تردیدی نیست که زنان ایران، همواره به شکل‌های مختلف علیه این همه تبعیض و ستم مبارزه کرده و می‌کنند. با این وجود ضعف عمده جنبش زنان نامتشکل بودن و نبود سازمان‌های توده‌ای زنان است. از همین روست که مبارزات زنان با مطالبات ویژه و مختص خودشان نمود محسوسی پیدا نمی‌کند و فوق‌العاده محدود است.

ما شرکت کنندگان در کنفرانس دهم سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن، زنان کارگر و زحمتکش را فرا می‌خوانیم که با حضور متشکل و نیرومند خود، جنبش زنان علیه تبعیض و نابرابری را به جنبشی قدرتمند در مبارزه تبدیل کنند و رابطه این جنبش را با جنبش طبقاتی کارگران مستحکم سازند.

ما، زنان کارگر و زحمتکش را فرا می‌خوانیم که با سازماندهی و حضور گسترده خود در گردهم‌آنی‌های روز ۸ مارس، اعتراض خود را نسبت به تبعیض و ستم وحشیانه‌ای که بر زنان اعمال می‌شود با صدای بلندتر از گذشته ابراز کنند.

ما کارگران مرد را فرا می‌خوانیم که از مبارزات زنان علیه تبعیض و نابرابری فعالانه حمایت کنند.

نابود باد ستم، تبعیض و نابرابری بر پایه جنسیت

پیروزیاد جنبش برابری طلبانه زنان

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورائی

زنده باد سوسیالیسم

اسفند ماه ۱۳۸۴

شرکت کنندگان در کنفرانس دهم سازمان فدائیان (اقلیت)



از صفحه ۹

مراسم بزرگداشت . . .

ایران _ واحد سوئد و سازمان هواداران چریک های فدایی خلق ایران در سوئد مراسم بزرگداشت سی و پنجمین سالروز حماسه ی سیاهکل در استکهلم برگزار گردید. این برنامه راس ساعت شش بعد از ظهر بر اساس زمان تعیین شده آغاز شد. پس از خوش آمدگویی به حضار، جمعیت حاضر در سالن بپا خاسته، به پاس قدردانی از قهرمانی ها و جانفشانی های رزمندگان سیاهکل یک دقیقه کف زدند. پس از آن برنامه با خواندن مقاله ی مشترکی از طرف سه جریان برگزارکننده در مورد حماسه ی سیاهکل ادامه یافت. اجرای زیبایی موسیقی ایرانی توسط گروه "نغمه های ایران" شور و احساس خوبی را در جمع برانگیخت. پس از آن برنامه با سخنرانی رفیق چنگیز قبادی در باره ی نقش تاریخی طبقه ی کارگر در چشم-انداز سیاهکل پی گرفته شد. اجرای موسیقی آمریکای لاتین و سپس استراحت و به دنبال آن برنامه ی پرسش و پاسخ با حضور مجدد رفیق چنگیز تداوم بخش برنامه بود. پس از آن برنامه با شعر خوانی رفیق احمد دنبال شد که دکلمه ی شعر "تبعید" مورد توجه حاضرین قرار گرفت. اجرای بخش دوم موسیقی ایرانی و نمایش فیلم فلوجه (کشتار پنهان) پایان بخش مراسم گرامی داشت سی و پنجمین سالگرد حماسه آفرینان سیاهکل بود.

از طرف حزب کار ایران (توفان)، کمیته ی مرکزی سازمان انقلابی کارگران ایران (راه کارگر) و کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران پیام های تبریک دریافت شد که به دلیل کمبود وقت، فقط با خواندن اسامی جریان های پیام دهنده از آنان سپاسگزاری شد. این برنامه در ساعت ده و بیست دقیقه پایان یافت.

حزب رنجبران نیز به مناسبت سالگرد سیاهکل پیام تبریکی برای سازمان ارسال نمود.

با تشکر از همه سازمان هایی که به مناسبت سی و پنجمین سالگرد سیاهکل، روز بنیانگذاری سازمان ما پیام ارسال کرده اند.

شماره پیام گیر

سازمان را به خاطر بسپارید :

۰۰۳۱۰۶۴۹۹۵۳۴۲۳

قطننامه در مورد اوضاع جهان سرمایه داری

- ۱- نظام سرمایه داری جهانی در نخستین سال های قرن بیست و یکم، ورشکستگی خود را بارز تر از هر زمان دیگر به نمایش گذاشته است. سرپای این نظام با بحران و بن بست روبه رو است.
- ۲- اقتصاد مهم ترین کشورهای جهان سرمایه داری با رکود مداوم روبه روست و بحران اقتصادی مزمنی که در طول سه دهه گذشته اقتصاد جهانی را فرا گرفته است، دائما ژرف تر می شود.
- روند نزولی شاخص های رشد اقتصادی، به مرحله ای رسیده است که مراحل رونق در سیکل اقتصادی به یک لحظه زودگذر تبدیل شده است. شاخص های تولید ناخالص داخلی در اتحادیه اروپا در طول ۵ سال گذشته همواره سیر نزولی داشته و در بهترین شرایط از ۲ درصد نیز تجاوز نکرده است. آلمان به عنوان مهم ترین قدرت اقتصادی اروپا با شاخص های منفی مطلق، تا منهای ۲ درصد روبرو بوده است. در ایالات متحده نیز به رغم رونق صنایع مرتبط با ماشین جنگی، این شاخص ها در محدوده ۲ و ۳ درصد بوده است.
- به استثنای چین که با یک بازار گسترده و سرمایه گذاری های کلان، یک دوره رونق اقتصادی را طی می کند و معدود کشورهای درجه دوم، سراسر جهان سرمایه داری در چنگال این بحران گرفتار اند.
- ۳- این بحران ژرف و مزمن، بیانگر تشدید فوق العاده تضادهای ذاتی شیوه تولید سرمایه داری در مرحله انحصار و موانع غیر قابل عبوری است که این شیوه تولید بر سر راه خود قرار داده است.
- ۴- بورژوازی جهانی در طول دو دهه گذشته تلاش نموده است با اتخاذ و پیشبرد سیاست موسوم به نئولیبرالیسم اقتصادی، گسترش جهانی سازی و انتقال تمام بار بحران بر دوش طبقه کارگر جهان، این معضل را حل کند. اما بحران همچنان لاینحل باقی مانده و عمیق تر شده است.
- ۵- در نتیجه این بحران و سیاست های اقتصادی بورژوازی بین المللی، وضعیت مادی و معیشتی طبقه کارگر و توده های فقیر زحمتکش جهان، فوق العاده به وخامت گرایده است. سطح معیشت کارگران در قیاس با سه دهه پیش تنزل فاحشی کرده است. هم اکنون، صدها میلیون کارگر با بیکاری و گرسنگی روبه رو هستند و تعداد انسان های فقیر حتا به حسب معیارهای بورژوازی ارگان های سازمان ملل از ۵۵۰ میلیون نیز تجاوز کرده است.
- ۶- در عرصه سیاسی نیز جهان سرمایه داری با بحران های فزاینده روبه رو است. گرایش روزافزون بورژوازی جهانی به ارتجاع سیاسی که یکی از وجوه مشخصه اوضاع سیاسی جهان در شرایط کنونی است، خود، انعکاس بحران ها و بن بست نظام سرمایه داری و بورژوازی جهانی است. محدود شدن روزافزون آزادی های سیاسی، حقوق دمکراتیک و مدنی مردم حتا در دمکراسی های پارلمانی اروپائی و آمریکائی، نژاد پرستی، جنگ طلبی، رشد بنیاد گرایی اسلامی و وحشت از تروریسم، بی اعتباری و بحران روزافزون نهادهای سیاسی پارلمانی، به عنوان ابزارهای فریب و تحمیق بورژوازی، جلوه های دیگری از این بحران های سیاسی هستند.
- ۷- توام با تشدید تضادهای نظام سرمایه داری و فشارهای روز افزون اقتصادی و سیاسی بورژوازی، جنبش های اجتماعی اعتراضی و مقدم بر همه جنبش طبقاتی کارگران، در پی یک دوره رکود و عقب نشینی، از اوائل قرن کنونی، مجددا اعتلاء یافته اند.
- در طول دو سال گذشته، یک رشته اعتصابات و تظاهرات پر دامنه کارگری، در تعدادی از کشورهای اروپائی، از جمله در ایتالیا، آلمان، فرانسه، بلژیک، هلند، یونان، رخ داده است. به ویژه اعتصابات عمومی اخیر در فرانسه و بلژیک از این جهت، حائز اهمیت جدی هستند. شورش های جدید تھی دستان فرانسوی که یکی دیگر از جلوه های، بحران های اجتماعی و سیاسی حتا در کشورهای محوری جهان سرمایه داری است، حاکی از چشم انداز گسترده تر جنبش های توده ای است.
- ۸- رشد و گسترش جنبش جهانی علیه نئولیبرالیسم و جهانی سازی نیز گرچه یک جنبش خالص ضد سرمایه داری نیست و گرایشات رفرمیستی و لیبرال طرفداران سرمایه داری به اصطلاح تعدیل شده نیز در آن حضور دارند، معهدا از آنجائی که گرایش ضد سرمایه داری در این جنبش قوی تر است، در خدمت اهداف طبقاتی کارگران قرار دارد.
- ۹- یکی از وظائف نیروهای سازمان ما در خارج از کشور، حضور در جنبش های اجتماعی اعتراضی علیه نظم موجود و سیاست های ارتجاعی بورژوازی، از جمله جنبش طبقاتی کارگران، جنبش علیه جهانی سازی، جنبش زنان و جنبش علیه جنگ افروزی، توسعه طلبی و اشغالگری امپریالیستی است. همچنین باید از مقاومت در برابر نئولیبرالیسم که به ویژه اکنون در کشورهای آمریکای لاتین در حال گسترش است، تا جائی که پای منافع توده های کارگر و زحمتکش در میان است، حمایت نمود.
- ۱۰- از آنجائی که در نتیجه اشغال نظامی عراق و رشد جنبش مقاومت علیه اشغالگران و نیز سیاست های قدرت های امپریالیست، احتمال گسترش بحران در کل منطقه خاورمیانه، وجود دارد، سازمان ما همچنین باید برای تقویت همکاری با نیروهای کمونیست منطقه در مبارزه مشترک علیه امپریالیسم، جنگ طلبی و اشغالگری، علیه رژیم های ارتجاعی منطقه و بنیاد گرایی اسلامی که در نتیجه سیاست های قدرت های امپریالیست، به ویژه امپریالیسم آمریکا، تقویت شده اند تلاش کند.

“ تبعید ”

بقیه از صفحه ۱۲

پیام شرکت کنندگان در کنفرانس دهم سازمان فدائیان (اقلیت) به کارگران ایران

برای اینکه به وظیفه خود عمل کند، باید دست رد بر سینه تمام نمایندگان رنگارنگ طبقه سرمایه دار بزند که همواره در مقاطع حساس و بحرانی تلاش نموده اند با وعده و وعید، توده های نا آگاه را بفریبند و ابتکار عمل را به دست بگیرند. طبقه کارگر که هم اکنون نیروی فعال در مبارزه علیه نظم موجود است، باید باحفظ اکید استقلال طبقاتی خود، تمام جنبش های مترقی اعتراضی علیه رژیم جمهوری اسلامی را به گرد خود متحد سازد و برای برانداختن رژیم ستمگر حاکم بر ایران، از طریق اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه و برقراری حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان آماده شود. آنچه که تضمین کننده پیروزی طبقه کارگر در این نبرد می باشد، تشکل و آگاهی، اتحاد و همبستگی تمام کارگران است.

تردیدی نیست که در جریان مبارزات چند سال اخیر، سطح تشکل و آگاهی و همبستگی کارگران ارتقاء یافته است. اما، این هنوز برای طبقه ای که می خواهد قدرت سیاسی را به دست آورد، کافی نیست، از این رو، تلاش برای متشکل ساختن هر چه بیشتر کارگران و وظیفه هر نیروی پیشرو و آگاه است. باید از هر وسیله ای برای ایجاد و گسترش تشکل استفاده کرد و بسته به شرایط هر محیط کارگری، تشکل های مخفی، نیمه علنی و علنی ایجاد نمود. اما اشتباه بزرگی خواهد بود اگر تا زمانی که تناسب قوا کاملاً به نفع کارگران و زحمتکشان در جامعه ایران برهم بخورد، همه کارگران پیشرو و آگاه خود را علنی کنند.

یکی از تشکل هایی که در شرایط اختناق و سرکوب کنونی، می تواند به خوبی در خدمت متشکل شدن کارگران قرار گیرد، کمیته های کارخانه است، که در مراحل پیشرفته مبارزه طبقاتی نیز می توانند به کمیته های اعتصاب و شوراها ارتقاء یابند. باید برای ایجاد و گسترش این کمیته ها تلاش نمود.

رفقا! زنان و مردان کارگر!

سازمان ما که در طول تمام دوران حیات ۳۵ ساله خود، از اهداف و منافع طبقه کارگر دفاع نموده و برای ایجاد یک جامعه سوسیالیستی به عنوان تنها بدیل برای رهایی انسان ستمدیده از یوغ ستم، استعمار، اسارت و بندگی مبارزه کرده است، از هیچ تلاشی برای پیروزی کارگران فروگذار نخواهد کرد. سرنگونی جمهوری اسلامی، برقراری حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان و گذار به سوسیالیسم، آن وظیفه فوری است که سازمان ما برای تحقق آن تلاش می کند.

کنفرانس دهم سازمان ما نیز یک بار دیگر بر مشی کارگری و سوسیالیستی سازمان، بر تداوم مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم مهر تائید زد.

پیروز باد طبقه کارگر

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورائی
نابود باد نظام سرمایه داری- زنده باد سوسیالیسم
اسفندماه ۱۳۸۴

شرکت کنندگان در کنفرانس دهم سازمان فدائیان (اقلیت)

به جام زرین مهتاب زده-ایم.
حکایتی ست ما را
در این میانه اگر
دستانمان تهی ست
و سفره‌مان بی جام و باده است
از یاد یاران گمشده-مان
از رنج "دختر رحمان"
و زخم قلب "آبایی"
در کویر و فلات و دشت
بر هر دریچه ی آشیان کوچک ما
نیلوفر ی شکفته به تمنای آفتاب
تا عاشقانه های شبانه ی ما را
در رهگذار پرواز پرندگان
آواز در دهد.

با مهرورزی خاک
به میهمانی جنگل و رود و ستاره بنشینند
و شاخه های زخم خورده از داس و تبر
با بوسه های آفتاب
نوازشگر سبزینه های بهاریشان باشند.
حکایتی ست ما را
در این روزگار بی دردی
در میان آواز های بی-فروغ شبانه
و کوچ موج وار خستگان دلتنگی
در چالش سترگ آفتاب و تندر و باد
ما بامدادان
شانه بر گیسوان آفتاب زده-ایم
و شباهنگام
به شوق مستی و شور
جام تلخ دلتنگی

در رهگذار سنگی این خاره راه
اگر چه پاهایمان زخمی ست
گرده مان بوسه گاه تازیانه و زنجیر
و آهوان کوچک ما بی نخجیر
ما مانده ایم هنوز
تا آتشفشان ستاره را
در ظلام شامگاهی شب بنشانیم
تا آواز های نیلی مستان شرزو را
هر سبیده دمان
بر موج موج رود بسپاریم.
ما کاروان قصه های شکست
ما راویان حکایت بدرودهای تلخ
ما یادگار سال های داغ و درفش
و رویای رنگین کمان بجا مانده از تندر و برق
به تمنای سخره های دماوند
مانده-ایم هنوز
و سپید رود رویای سبز جاری ماست
تاریشه های تیشه خورده ی این
سال های تبااهی و درد

پیام شرکت کنندگان در کنفرانس دهم سازمان فدائیان (اقلیت) به کارگران ایران

رفقا! زنان و مردان کارگر!

ما شرکت کنندگان در کنفرانس دهم سازمان فدائیان (اقلیت) به شما درود می فرستیم. کنفرانس دهم سازمان ما در شرایطی برگزار شده است که جنبش طبقاتی کارگران ایران را یکی از مراحل رشد و رونق خود قرار گرفته است. مبارزات علنی کارگران، سراسر ایران را فرا گرفته است. همه روزه شاهد اعتصابات، راهپیمایی ها، تجمع های اعتراضی و اشکال دیگری از مبارزات، در کارخانه ها و مؤسسات تولیدی و خدماتی شهرها و مناطق مختلف هستیم. ابعاد و وسعت این اعتراضات که بیانگر بیداری و آگاهی دم افزون کارگران است، مرتجعین را به هراس مرگبار دچار ساخته است. رژیم جمهوری اسلامی که پاسدار نظام طبقاتی سرمایه داری حاکم بر ایران است، برای کنترل و مهار این جنبش، به خشن ترین و وحشیانه ترین سرکوب ها علیه کارگران متوسل شده است. هر اعتراض مسالمت آمیز کارگران را با گسیل پلیس ضد شورش پاسخ می دهد. کارگران معدن باب نیز و را به گلوله می بندد و کشتار می کند. کارگران شرکت واحد را در گروه های صدها نفره دستگیر و روانه زندان می نماید. کارگران نساجی را به زندان می اندازد. فعالین کارگری را به محاکمه می کشد و به زندان و تبعید محکوم می کند. این تنها نمونه هائی از سرکوب و وحشی گری گسترده رژیم جمهوری اسلامی علیه کارگران است. رژیمی که از ابتدای به قدرت رسیدن خود، جنایات بس متعددی را علیه کارگران مرتکب شده و صدها تن از پیشروترین و آگاه ترین کارگران را به جوخه اعدام سپرده است. با این همه رشد و اعتلاء کنونی جنبش کارگری نشان می دهد که این وحشی گری رژیم نیز نتوانسته نمی تواند عزم و اراده کارگران را به ادامه مبارزه در هم شکند.

مبارزه علیه نظم موجود، جزئی جدائی ناپذیر از وجود طبقاتی کارگران است. نظام غیر انسانی سرمایه داری حاکم بر ایران راه دیگری جز ادامه و تشدید این مبارزه در برابر کارگران قرار نمی دهد. توده کارگران ایران در طول تمام دوران حاکمیت جمهوری اسلامی در معرض بی رحمانه ترین استثمار قرار داشته اند. در حالی که سرمایه داران انگل صفت از قبیل این استثمار، پیوسته بر سرمایه های خودافزوده و ثروت های افسانه ای اندوخته اند، توده های میلیونی کارگر، سال به سال فقیرتر شده اند، به نحوی که هم اکنون اکثریت بسیار بزرگ کارگران حقا قادر به تأمین حداقل معیشت خود نیستند. رژیم جمهوری اسلامی که حامی و پاسدار منافع طبقه سرمایه دار است، با به اجرا در آوردن سیاست موسوم به نئولیبرالیسم اقتصادی که در ایران سیاست تعدیل نام گرفته است، دست سرمایه داران را در استثمار بی حد و حصر کارگران کاملا باز نموده و به فقر و گرسنگی ابعادی باور نکردنی داده است. با خصوصی سازی کارخانه ها و مؤسسات، میلیونها کارگر را بیکار و گرسنه و فقیر روانه خیابان ها نموده است. با یورش به دست آوردهای مبارزاتی کارگران و تصویب بی در پی قوانین و آئین نامه های جدید به نفع سرمایه داران، کارگران را در بسیاری موارد، از همان حداقل های قانونی در مورد حق و حقوق کارگری محروم نموده است. این همه در حالی انجام گرفته است که رژیم حاکم با برقراری دیکتاتوری عربیان و سلب ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی توده های وسیع مردم، کارگران را حقا از حق ایجاد تشکل های مستقل نیز محروم کرده است.

روشن است که این همه فشار، استثمار، بی حقوقی، ستم و سرکوب، نمی توانست از سوی توده های وسیع کارگر بدون جواب بماند. اکنون مبارزه تا به آنجا گسترش یافته و وسعت گرفته است که طبقه کارگر به فعال ترین نیروی عرصه مبارزه در مقیاس سراسر ایران تبدیل شده است. با این مبارزات، طبقه کارگر در عمل به همگان نشان داده است که پیگیرترین و استوارترین نیروی مبارزه است.

رفقا! زنان و مردان کارگر!

تجارب تمام سال های گذشته، به توده های وسیع کارگر نشان داده اند که در چارچوب نظم موجود، هیچ بهبود جدی در اوضاع صورت نخواهد گرفت. نجات از وضعیت فلاکت بار و اسف بار موجود، دگرگونی نظم موجود را می طلبد. اما باید روشن باشد که هیچ نیروی به جز طبقه کارگر، نه می خواهد و نه می تواند نظم سرمایه داری موجود را دگرگون سازد. این وظیفه ای است، تنها بردوش طبقه کارگر. این تجارب همچنین نشان داده اند که حقا تحقق مطالبات آزادی خواهانه، دمکراتیک و رفاهی عمومی توده های وسیع مردم نیز در گرو کسب قدرت سیاسی توسط کارگران است. بنابراین طبقه کارگر ایران وظیفه ای خطیر بردوش دارد و

در صفحه ۱۱

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

آلمان
K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

دانمارک
I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

هلند
Postbus 23135
1100 DP
Amsterdam Z.O
Holland

کانادا
K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7 Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.

I. W. A
6932641 Postbank
HOLLAND

شماره های فکس ۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹
سازمان فداییان ۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲
(اقلیت) ۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

شماره پیام گیر سازمان فدائیان (اقلیت):

۰۰۳۱۰۶۴۹۹۵۳۴۲۳

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)
No 472 march 2006

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی